

تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید^۱

هادی برغمدی*

طرح مسأله: در این مقاله به بررسی اثرات تخریب محله ناهنجار "غربت" بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید با سه شاخص اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی استفاده شده است.

روش: این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه (پژوهش‌گر ساخته) به انجام رسیده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد بالای ۲۵ سال ساکن محله خاک سفید می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۰ نفر بوده و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شده است.

یافته‌ها: میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید در سطح خویشاوندی بیشتر از سطوح همسایگی، محلی و قومی بوده است. همچنین میزان سرمایه اجتماعی در میان زنان بیش‌تر از مردان، در میان افراد مسن‌تر بیش‌تر از افراد جوان و در میان افراد دارای تحصیلات کم‌تر بیش‌تر از افراد دارای تحصیلات بالاتر بوده است.

نتایج: سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید نسبت به گذشته (قبل از تخریب محله غربت) کاهش یافته است. تخریب این محله به میزان بیش‌تری از سرمایه اجتماعی افراد ساکن در نزدیکی این محل کاسته است.

کلید واژه‌ها: حاشیه‌نشینی، سرمایه اجتماعی، محله خاک سفید، محله غربت.

تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۴

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۱۹

۱. بر خود واجب می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های جناب آقای دکتر حبیب ا... آقابخشی، سرکار خانم دکتر لینا ملک‌میان، جناب آقای دکتر خلیل میرزایی و استاد بزرگوار جناب آقای سعید خراطها که در طی انجام پژوهش و همچنین نگارش مقاله مرا یاری نموده‌اند تشکر نمایم.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی <hadi_b1379@yahoo.com>

مقدمه

شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای که گسترش آن در جهان را از سال ۱۹۵۰ میلادی و رشد نگران‌کننده این پدیده در ایران را از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی عنوان کرده‌اند دارای مشکلات و مسایل خاصی بوده که رفع این مشکلات، روش‌های خاص خود را می‌طلبد و نیاز به نسخه‌های مخصوص به خود دارد، نسخه‌هایی که باید بعد از مطالعات گسترده و عمیق در این مناطق برای آن‌ها آماده گردد تا شاید گوشه‌ای از مسائل مردم این نواحی که عموماً از طبقات پایین جامعه می‌باشند را حل نماید. به دلیل توأم بودن پدیده حاشیه‌نشینی با برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی هم‌چون فقر، اعتیاد، بزهکاری و... و تسری این مسائل و مشکلات به دیگر نقاط شهر (به دلیل تبادلات فرهنگی و اقتصادی میان این محلات و دیگر نقاط)، حل مشکلات و یا کاهش آن در این محلات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نیاز به برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی و به دور از تصمیمات آنی، مقطعی و تبلیغاتی داشته تا بتوان با استفاده از طرح‌های علمی بلند مدت گامی در جهت بهبود شرایط موجود در محلات حاشیه نشین برداشت. محله خاک سفید نیز به عنوان یکی از محلات حاشیه‌نشین و به دلیل قرار داشتن «غربت» در دل آن، از بدو شکل‌گیری (پس از انقلاب سال ۵۷) به یکی از مناطق مورد توجه مسئولان و محققان تبدیل شده و چندین بررسی و پژوهش نیز در مورد این محله در سال‌های گذشته به انجام رسیده است.

برخی از مسئولان وجود «غربت» در دل خاک سفید را ریشه مسائل و مشکلات موجود در سطح این محله می‌دانستند و معتقد بودند که با از بین رفتن «غربت»، می‌توان امیدوار بود که بخش بزرگی از مسائل و مشکلات این محله از بین برود، غافل از این‌که با تخریب این محل، تنها می‌توان به صورتی موقتی و صوری مشکلات موجود را حل نمود.

۱) طرح مسأله

«غربت» نامی است که به محدوده‌ای به مساحت تقریبی ۳۳۰۰۰ مترمربع واقع در محله خاک سفید، یکی از ۲۲ محله اصلی منطقه چهار شهرداری تهران گذارده بودند. این

محدوده جمعیتی بالغ بر ۳۰۰۰ نفر (۴۵۰ خانوار) را در خود جای داده بود. زمان شکل‌گیری غربت را می‌توان بعد از انقلاب سال ۵۷، به موازات گسترش محله خاک سفید و به دلیل بی‌برنامگی و عدم نظارت بر ساخت و ساز شهری دانست. ساکنان اولیه این محدوده (غربت) را غربتی‌هایی تشکیل داده بودند که بعد از ساخت و سازهای غیرمجاز در سال ۵۷ در محله خاک سفید، به این محل آمده و به سرعت بر تعداد آن‌ها در این منطقه افزوده و «غربت» را تبدیل به قانونی برای فساد و به خصوص مسائل مربوط به مواد مخدر کرده بودند. غربتی‌ها از نژاد کولی‌هایی هستند که از هند برخاسته و در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی شبه قاره هند را ترک گفته و به اطراف مهاجرت کرده‌اند. تمامی کولی‌های جهان دارای خصلت‌های مشترک هستند و پست‌ترین و ناشایسته‌ترین صفات را به آن‌ها نسبت داده‌اند (خراطها، ۱۳۸۲). آوازه غربت از نظر وجود آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در زمان خود، نه تنها به کل شهر تهران، که به سراسر ایران رسیده بود؛ آسیب‌ها و مسائلی هم‌چون فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، فحشا، قمار، نزاع و درگیری و

«غربت» در زمان وجود خود از نظر امکانات و خدمات شهری از جمله آب، برق، آسفالت، روشنایی معابر و... دارای شرایط مناسبی نبوده و اکثر خانوارهای این محله از آب و برق غیرمجاز استفاده می‌کردند. لازم به ذکر است که غربتی‌ها به دلیل داشتن الگوهای رفتاری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مشترک، از همبستگی و میزان مشارکت بالایی برخوردار بودند: همبستگی در مقابل دشمن رسمی (نیروی انتظامی و مأموران سازمان‌های دولتی) و غیررسمی (اهالی محله خاک سفید) و مشارکت در انجام کارهای انحرافی. اهالی خاک سفید نیز (کوچه‌های مجاور غربت) در مقابل غربتی‌ها با همدیگر همبستگی و مشارکت داشته و درگیری‌های دسته جمعی و یا نوشتن نامه‌ها و استشهادهای محلی به مسئولان، برای حل معضلات ایجاد شده به واسطه وجود غربت، درخواست اقدامات لازم هم‌چون بستن خیابان‌های منتهی به «غربت» و پاک‌سازی محل از فعالیت‌های انحرافی را داشته‌اند.

سرانجام نیروی انتظامی و مسئولان اجرایی کشور برای حل مسائلی که به واسطه وجود این محدوده ایجاد شده بود، در تاریخ ششم اسفند ۱۳۷۹ هم‌زمان با سفر وزیر کابینه

انگلیس و هیأت بررسی مواد مخدر این کشور به ایران، از میان الگوهای موجود برای مقابله با محلات ناهنجار، هم‌چون الگوهای آموزشی، تربیتی، مددکاری اجتماعی، تشدید کنترل، تغییر در بافت فضایی و کالبدی و... سیاست «تخریب» را که نامناسب‌ترین واکنش رسمی نسبت به محلات ناهنجار می‌باشد اتخاذ کرده و در عملیاتی غافلگیرانه صورت گرفت، در بامداد این روز دست به محاصره، پاک‌سازی و تخریب این محل زدند.

تخریب محله «غربت» آثار فرهنگی، اقتصادی و به خصوص اجتماعی زیادی بر محله خاک سفید و اهالی آن گذاشته است، تأثیراتی مثبت یا شاید منفی! حال که ششمین سالگرد تخریب غربت را پشت سر گذاشته‌ایم، لازم به نظر می‌رسد تا در پژوهشی، نتایج و آثار این اقدام (تخریب) بر اهالی خاک سفید مورد بررسی قرار گیرد تا این نتایج بتواند به مسئولان اجرایی کشور برای اتخاذ تصمیمات آتی در موارد مشابه محله ناهنجار «غربت» کمک رساند.

بررسی هر یک از آثار «فرهنگی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» تخریب «محله غربت» پژوهشی مستقل و همه‌جانبه را می‌طلبد. به دلیل رویکرد محقق به «آثار اجتماعی» و اهمیت این آثار، هدف اصلی این مقاله (که حاصل پژوهشی است که نگارنده در سال ۸۵ به انجام رسانده است) بررسی تأثیرات اجتماعی تخریب «غربت» بر اهالی محله خاک سفید می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، از میان شاخص‌های اجتماعی، «سرمایه اجتماعی» که در ماده ۱۵۵ برنامه چهارم توسعه، بر حفظ، ارتقاء و تصویب ساز و کارهای اجرایی لازم جهت افزایش آن تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲)، انتخاب شده تا تأثیر تخریب این محله بر میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید مورد بررسی قرار گیرد. بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است (بیات، ۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی دارای شاخص‌های فراوانی می‌باشد که در پژوهش صورت گرفته، از میان این شاخص‌ها، سه شاخص اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی به عنوان شاخص‌های اساسی در سنجش سرمایه اجتماعی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است تا به این سؤال پاسخ داده شود که «تخریب محله غربت چه تأثیری بر «سرمایه اجتماعی» اهالی محله خاک سفید داشته است؟».

۲) چارچوب نظری

۱-۲) سرمایه اجتماعی

«سرمایه ثروتی است مولد یا منبعی است که شخصی جهت ایجاد درآمد به کار می‌برد» (Vogt, 1993: 29). بوردیو (Bourdieu) برداشتی وسیع‌تر از سرمایه ارائه می‌دهد، به طوری که وی تصریح می‌کند سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد سود خاصی را از طریق مشارکت و رقابت بر سر آن به دست آورد (Stones, 1998). بنابراین می‌توان گفت که دریافت بوردیو از سرمایه وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد. سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، سرمایه دینی، سرمایه اجتماعی و انواع مختلف سرمایه به شمار می‌روند.

واژه و روح سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی و طولانی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می‌رود به بیش از ۹۰ سال پیش (۱۹۱۶) و نوشته‌های لیدا جی هانیفان (Lyda J. Hanifan)، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می‌گردد. او در توصیف سرمایه اجتماعی می‌گوید «چیزی ملموس که بیش‌ترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها که سازنده واحد اجتماعی‌اند» (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۴).

جیمز کلمن (Coleman) سرمایه اجتماعی را فرآیندهایی اجتماعی می‌داند که با تسهیل کنش اعضای خود، منافعشان را ارتقاء می‌دهد. پیر بوردیو موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌داند. رابرت پاتنام (Putnam) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز جوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارآیی جامعه را افزایش می‌دهد (ملاحسنی، ۱۳۸۱). فرانسیس

فوکویاما (Fukuyama) مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی اعضای گروهی که تعاون و همکاری میانشان مجاز است و در آن سهم و ذی‌نفع هستند را سرمایه اجتماعی می‌داند. کیان تاجبخش سرمایه اجتماعی را به صورت آگاهی شهروندان نسبت به مسائل عمومی که در چهارچوب اعتماد و هنجارهای عمل متقابل و به واسطه تشکلهای داوطلبانه و به صورت افقی سازمان یافته‌اند و خارج از حوزه دولت و اقتصاد قرار دارند و کنش‌های جمعی عام‌المنفعه‌ای را موجب می‌شوند، تعریف می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۴۵). حامد قدوسی انسجام درونی اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر کنش متقابل مردم و نهادهایی که این هنجارها و ارزش‌ها در آن جایگزین می‌شوند را سرمایه اجتماعی دانسته (قدوسی، ۱۳۸۴: ۱۲۸) و نوین تولایی و مریم شریفیان ثانی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی می‌دانند که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به طرز کارآمدتر، تسهیل می‌کند و این سرمایه را غالباً با تنوع مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (تولایی و شریفیان ثانی، ۱۳۸۴).

پاتنام برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی و اینگلهارت در «پیمایش ارزش‌های جهانی»^۱ از شاخص اعتماد برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده نموده‌اند. از نظر فوکویاما سنجش سرمایه اجتماعی به دلیل بعد کیفیتی که دارد، مشکل است. به نظر او به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی پدیده‌های اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۷۹). شریفیان ثانی نیز به نقل از بولن (Bulen) و انیکس (Enicks) هشت مولفه مهم سرمایه اجتماعی را چنین مطرح می‌نماید: مشارکت در اجتماع، کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی،

1. World Values Survey

ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی، پیوندهای کاری و پیوندهای دولتی و خانوادگی (غفاری، ۱۳۸۴).

۲-۲) حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی به توسعه‌های شهری اطلاق می‌شود که بدون برنامه‌ریزی، هدایت، کنترل و بدون رعایت مقررات شهرسازی توسط توده مردم ایجاد می‌شود. امروزه ساخت و سازهای غیرمجاز به گونه‌ای وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تر از سابق به شکل زاغه و... تحت عنوان «بخش بازار غیررسمی» در حال تکوین است. حاشیه‌نشین فردی است که در محدوده زندگی اقتصادی و اجتماعی شهر زندگی می‌کند، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی متعارف شهر نشده است. روشن است که حاشیه‌نشین‌ها به عنوان شهروندان رسمی و مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند و از این رو در حاشیه امکانات، خدمات و تسهیلات زندگی عمومی و زیربنایی شهر قرار دارند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲).

تحقیقات اولیه حاشیه‌نشینی را در تقابل با پیشرفت و توسعه تعریف کرده‌اند و علت بروز آن را وجود نابرابری و تبعیضات نژادی دانسته‌اند. گروهی دیگر حاشیه‌نشینی را از پیامدهای رشد سریع و ناهماهنگ اقتصادی و افزایش دوگانگی‌های اجتماعی - اقتصادی خوانده‌اند. هم‌چنین این پدیده را نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها و مرحله‌ای گریزناپذیر در روند نوسازی (مدرنیزاسیون) دانسته‌اند و برای رفع آن، توسل به زور برای اخراج مردم از مناطق حاشیه‌نشین را پیشنهاد کرده‌اند. چنین راهی به نظر برخی، شاید تنها چاره‌بی‌بدیل این پدیده باشد. تجارب متعدد و مستندات موجود گواها‌اند که هیچ‌گاه چنین رویکردی بازتاب مطلوب و مثبت نداشته است، بلکه بحران یک منطقه را به نواحی متعدد دیگری منتقل کرده است.

۲-۳) محله خاک سفید

محله خاک سفید با وسعت تقریبی ۴۹۳ هکتار و جمعیتی بالغ بر ۱۴۶۰۰۰ نفر پرجمعیت‌ترین محله منطقه چهار شهرداری تهران (واقع در شمال شرق تهران) است. این

محلّه در شرق منطقه چهار تهران در حد فاصل محلّه‌های تهرانپارس و حکیمیه واقع شده است. این محلّه بعد از سال ۵۷ (انقلاب اسلامی) و به دنبال مهاجرت از شهرستان‌ها و ساخت و سازهای غیرمجاز و بی‌برنامه شکل گرفت و از بدو شکل‌گیری، به دلایلی چون سطح پایین سواد، سطح پایین درآمد ساکنان، شکل نامنظم کوچه‌ها و معابر، وجود برخی از انحرافات اجتماعی (به سبب وجود محلّه غربت در دل این محلّه)، وابستگی‌های قومی و خویشاوندی و ... به یکی از محلّه‌های حاشیه نشین شهر تهران تبدیل شده و به همین دلیل در طول سالیان دراز از امکانات مناسب خدمات شهری محروم بوده است.

به دلیل نبود سند رسمی برای واحدهای مسکونی این محلّه، این واحدها هر روز در حال تفکیک شدن بوده تا هریک مکانی باشد برای اقوام ساکنین محلّه خاک سفید که به مرور از شکل‌گیری در حال مهاجرت به این محلّه می‌باشند و هر روز بر جمعیت آن می‌افزایند. این مهاجران به دلایل فراوانی از جمله هویت قومی و تعلق به فرهنگ خاص خود، تا حد امکان سعی می‌کنند در کنار هم قوم‌های خود ساکن شوند. به طور کلی در سطح محدوده، ضوابط ساختمانی در واحدهای مسکونی رعایت نشده است، استحکام بناها کم است و به رغم استفاده از مصالح مناسب، کیفیت اجرا بسیار نازل بوده و ضوابط ساخت و ساز و جهت‌گیری و نورگیری مناسب در آنها رعایت نشده است. در حال حاضر رایج‌ترین نوع خرید و فروش در محدوده، خرید و فروش از طریق قول‌نامه بنگاهی می‌باشد که قابلیت پذیرش اجتماعی نیز یافته است. نداشتن سند مشکلی در امر خرید و فروش به وجود نمی‌آورد و بر قیمت‌ها نیز تأثیر چندانی ندارد. به طور کلی بهای زمین و مسکن در محلّه، بالاتر از حدی است که مرغوبیت نسبی آن حکم می‌کند (رئیس دانا، ۱۳۸۰).

۲-۴) محلّه غربت

«محلّه غربت» به علت کولی‌نشین بودن و اطلاق لفظ غربتی به کولی‌ها در برخی از نواحی از جمله تهران به این نام معروف شده بود. این محلّه محیطی بوده است سرشار از انحرافات اجتماعی هم‌چون نزاع و درگیری، چاقوکشی، زورگیری، غارت، تاراج، فحش و

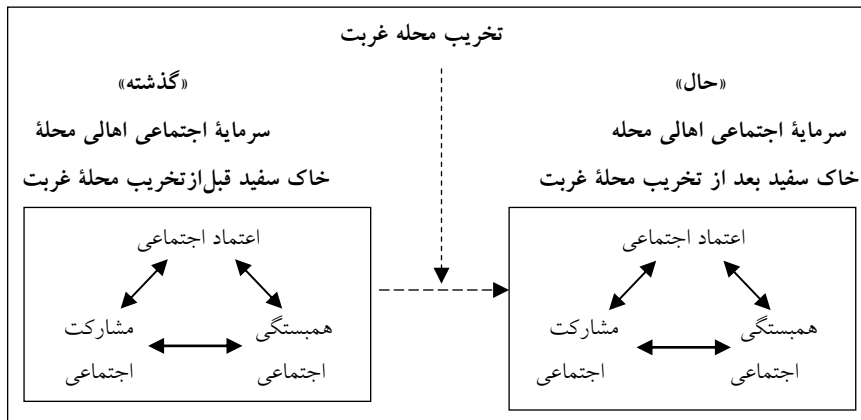
ناسزا، سرقت، خرید و فروش مواد مخدر و ... «غربت» در تاریخ ۶ اسفند سال ۱۳۷۹ در عملیاتی انتظامی محاصره، پاک‌سازی و سپس تخریب شد. این محله در مرکز محله خاک سفید در شرق منطقه چهار تهران واقع شده بود و این مجاورت به بدنامی کل محله خاک سفید و اهالی آن در طول سال‌های متمادی منجر شده و باعث ایجاد تفکری اشتباه در بین عامه مردم و حتی برخی از متخصصان علوم اجتماعی شده بود، تفکری که «خاک سفید» را همان «غربت» می‌دانست. هسته اولیه این محله (غربت) پس از اعلام نظر آیت‌الله خسروشاهی در سال ۱۳۵۸ که «زمین مال خداست و هرکس آن را آباد کند صاحب آن است» با ساخت و ساز در محله خاک سفید شکل گرفت. اولین ساکنین محله غربت را غربتی‌ها تشکیل دادند و اندک اندک با نفوذ خود به این محله، مقدمات هجوم و تراکم سایر غربتی‌ها در محله را فراهم آوردند (خراطها، ۱۳۸۲). برخی از ویژگی‌های مکانی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیتی این محله قبل از تخریب را می‌توان به این قرار عنوان نمود: بهره‌مندی از نقشه شهری نامنظم، در عین حالی که ترکیب کوچه‌ها و خیابان‌ها نظمی کارکردی و غیرهندسی به وضعیت انحرافی محله داده بود؛ فقدان تسهیلات مناسب برای زندگی شهری نظیر خیابان‌بندی، جوی آب، روشنایی معابر و...؛ نامطلوب بودن تردد و عبور و مرور در محله، استفاده غیرمجاز از خدمات شهری (آب، برق، گاز و...); نداشتن سند رسمی برای اماکن؛ تقسیم شدن منازل به قطعات کوچک‌تر در طول زمان؛ همبستگی اجتماعی بالا میان ساکنین محله؛ رفت و آمدهای زیاد میان همسایه‌ها و اهل محل به دلیل وجود نسبت‌های فامیلی و ویژگی‌های مشترک شغلی؛ ارتباط اهالی محل با مبداء مهاجرت؛ استفاده از کوچه‌ها و معابر محله به عنوان محل ملاقات، تفریح و اشتغال؛ مشارکت اجتماعی بالای زنان در امور مربوط به تأمین معاش؛ وجود تعداد زیاد زنان و خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست به دلیل زندانی شدن همسران؛ وجود روابط چهره به چهره در محله؛ از بین رفتن قبح فعالیت‌های اقتصادی انحرافی در بین اهالی؛ همبستگی بالا در مقابل نیروهای کنترل رسمی و عوامل تهدیدکننده؛ وجود قلمرو، مقر و پاتوق برای هر یک از کاسبان مشاغل انحرافی در محله؛ وجود سلسله مراتب قدرت در میان شاغلان مشاغل

انحرافی و ساکنان محله؛ نادیده گرفتن اصول دینی و اعتقادی در صورت مغایرت با الزامات شغلی؛ اعتقاد به جادو، خرافات و... (همان).

۲-۵) مدل نظری مطالعه

با توجه به نظریات کلمن، فوکویاما، بوردیو، پاتنام و... در مورد شاخص‌های اساسی در سنجش سرمایه اجتماعی و استفاده از آن‌ها در ترسیم چارچوب نظری و همچنین توجه به پیوندهای قومی و خویشاوندی در کنار پیوندهای همسایگی و محلی (به دلیل خصوصیات اجتماعی - فرهنگی مناطق حاشیه‌ای) و با استفاده از طرح پانل واپس‌نگر^۱ - چارچوب نظری این پژوهش مطابق شکل شماره ۱ طراحی گردید:

شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش



۱. طرح پانل واپس‌نگر (Quasi-panel Design) طرحی است که برای وارد کردن بُعد زمانی در مطالعه به کار می‌رود و در آن، اطلاعات را فقط در یک مقطع زمانی گردآوری می‌کنند، منتهی درباره دو یا چند مقطع زمانی نیز از افراد پرس‌وجو می‌شود تا به وقایعی که در فاصله این مقطع زمانی روی داده است نیز پی برده شود (دواس، ۱۳۸۲: ۴۷).

لازم به ذکر است که اعتماد اجتماعی از طریق شاخص‌های «روراست بودن»، «خودی دانستن» و «وجود اعتماد در روابط»، همبستگی اجتماعی از طریق شاخص‌های «دوست بودن»، «قرض دادن وسایل»، «سلام و احوال‌پرسی داشتن» و «مشورت کردن»، و در نهایت، مشارکت اجتماعی از طریق شاخص‌های «شرکت در فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه»، «مشارکت در صندوق‌های خرده وام (قرعه‌کشی)»، «مشارکت و همکاری در مراسم عزا و عروسی»، «شرکت در جلسات و حلقه‌های مطالعاتی» و «مشارکت در اقدامات جمعی» سنجیده شده است. هر یک از این شاخص‌ها در چهار سطح همسایگی، محلی، خویشاوندی و قومی و در مورد دو زمان حال و گذشته (۱۰ سال قبل یا قبل از تخریب محله غربت و با استفاده از طرح پانل واپس‌نگر) مورد بررسی قرار گرفته و از پاسخ‌گویان خواسته شده در مورد هر یک از گویه‌ها نظر خود را در مورد زمان فعلی و زمان گذشته (۱۰ سال قبل) بیان نمایند.

۶-۲) فرضیه‌های پژوهش

مهم‌ترین فرضیه‌های پژوهش را می‌توان به قرار زیر بیان نمود:

- الف) بین میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت تفاوت وجود دارد.
- ب) بین میزان اعتماد اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت تفاوت وجود دارد.
- ج) بین میزان همبستگی اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت تفاوت وجود دارد.
- د) بین میزان مشارکت اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت تفاوت وجود دارد.
- ه) بین میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید در سطوح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی تفاوت وجود دارد.

- و) بین سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف ساکن در محله خاک سفید با توجه به فاصله محل سکونت از محدوده تخریب شده غربت تفاوت وجود دارد.
- ز) بین میزان تغییر در سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف ساکن در محله خاک سفید با توجه به فاصله محل سکونت از محدوده تخریب شده غربت تفاوت وجود دارد.
- ح) بین سطح تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید رابطه وجود دارد.
- ط) بین سن پاسخگویان و میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید رابطه وجود دارد.
- ی) بین میزان سرمایه اجتماعی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.

۳) روش مطالعه

۳-۱) نوع مطالعه و روش اجرا

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از روش پیمایش به انجام رسیده است. در این پژوهش، در مرحله مطالعات مقدماتی با استفاده از ابزار مشاهده و مصاحبه بدون ساخت (عمیق)، به مطالعه کلی ویژگی‌های جامعه آماری پرداخته شد و یافته‌های کلی به دست آمده از جامعه آماری، در مرحله تدوین چارچوب نظری و پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله بعد با استفاده از روش اسنادی و استفاده از یافته‌های مطالعات مقدماتی به ساخت شاخص‌های مناسب برای سنجش متغیرهای پژوهش پرداخته شد و برای سنجش هر کدام از این شاخص‌ها گویه‌هایی تدوین، و بدین ترتیب پرسش‌نامه مقدماتی برای اجرای پیش‌آزمون اول آماده گردید. از جمله نتایجی که از مطالعات مقدماتی (مشاهده، مصاحبه و مطالعات اسنادی) به دست آمده و در تدوین چارچوب نظری و تدوین پرسش‌نامه مدنظر قرار گرفت می‌توان به پیوندهای قومی و خویشاوندی در بین اهالی این محله اشاره کرد. به همین منظور علاوه بر سنجش متغیرهای سرمایه اجتماعی در دو سطح همسایگی و محلی، به سنجش این متغیرها در سطوح قومی و خویشاوندی نیز پرداخته شده است.

۲-۳) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه افراد ۲۵ سال به بالای ساکن محله خاک سفید (اعم از زن و مرد) بوده است که حداقل ۱۰ سال از زمان سکونت آن‌ها در محله خاک سفید گذشته باشد. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران و با استفاده از ضریب اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۰ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد؛ بدین صورت که محله خاک سفید در ابتدا به سه ناحیه فرضی تقسیم شد: ناحیه ۱ (افراد ساکن در شعاع ۳۰۰ متری نسبت به محدوده تخریب شده غربت)؛ ناحیه ۲ (افراد ساکن در حد فاصل شعاع ۳۰۰ متری تا ۶۰۰ متری نسبت به محدوده تخریب شده غربت)؛ ناحیه ۳ (افراد ساکن در شعاع بیش از ۶۰۰ متر نسبت به محدوده تخریب شده غربت). سپس در هر ناحیه با توجه به حجم آن و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، پرسش‌نامه‌ها تکمیل گردید.

۳-۳) ابزار مطالعه

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ای پژوهش‌گر ساخته استفاده شد که متشکل از ۱۰۵ گویه بود. ۹ گویه نخست پرسش‌نامه به بررسی برخی از ویژگی‌های پاسخ‌گویان (جنسیت، سن، سابقه سکونت و...)، ۲۴ گویه بعدی به بررسی شاخص‌های اعتماد، ۳۲ گویه به بررسی شاخص‌های همبستگی اجتماعی، و در نهایت ۴۰ گویه به بررسی شاخص‌های مشارکت اجتماعی در مورد دو زمان حال و گذشته (۱۰ سال قبل) و در چهار سطح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی می‌پردازد.

برای سنجش اعتبار ابزار پژوهش از اعتبار صوری و اعتبار ارزیاب‌ها استفاده شده است؛ بدین صورت که بعد از تدوین مقدماتی ابزار، سؤالات طرح شده در اختیار داوران قرار گرفت (۱۰ تن از اساتید دانشگاه) تا نظر خود را در مورد سؤالات طرح شده ارائه دهند. سؤالاتی که اتفاق نظر در مورد آن‌ها وجود داشت حفظ و سؤالات دیگر حذف شد (اعتبار ارزیاب‌ها). پس از این مرحله، پرسش‌نامه حاصله بر روی نمونه‌ای ۵۰ نفری اجرا

شد تا سؤالاتی که برداشت‌های متفاوتی از آنها می‌شد و پاسخ‌گویان یک مفهوم واحد را از آن برداشت نمی‌کردند، اصلاح شود (اعتبار صوری). پس از اصلاح پرسش‌نامه، مجدداً آزمون بر روی نمونه‌ای ۵۰ نفری اجرا شد تا در این مرحله با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به بررسی پایایی ابزار (پایایی همسانی درونی) پرداخته شود که میزان آلفای به‌دست آمده برای هر کدام از متغیرهای سرمایه اجتماعی در حد قابل قبولی بود (اعتماد اجتماعی ۰/۷۵، همبستگی اجتماعی ۰/۸۲ و مشارکت اجتماعی ۰/۸۵).

۳-۴) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، درصد معتبر و درصد جمعی، میانگین، نمودارهای آماری و ... استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی نیز به دلیل تبدیل نمودن متغیرهای پژوهش به متغیرهای شبه فاصله‌ای^۱ از آزمون‌های پارامتری چون آزمون t برای گروه‌های مستقل و وابسته، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS به انجام رسیده است.

۴) یافته‌ها

از مجموع ۳۸۰ نفر نمونه، ۶۱ نفر (۱۶/۱ درصد) در شعاع ۳۰۰ متر، ۱۲۵ نفر (۳۲/۹ درصد) در شعاع ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر و ۱۹۴ نفر (۵۱/۱ درصد) در شعاع بیش از ۶۰۰ متر نسبت به محل تخریب شده غربت سکونت داشته‌اند که از این تعداد ۲۳۸ نفر (۶۲/۶ درصد) مرد و ۱۴۲ نفر (۳۷/۴ درصد) زن می‌باشند. از این مجموع (۳۸۰ نفر) بالاترین فراوانی با ۸۱ نفر (۲۱/۳ درصد) به گروه سنی ۲۹ - ۲۵ سال و کم‌ترین آن با ۱ نفر (۰/۳ درصد) به گروه سنی ۷۹ - ۷۵ سال مربوط می‌باشد؛ بالاترین فراوانی قومیت با ۱۶۰ نفر (۴۲/۲ درصد) مربوط به قومیت آذری و کم‌ترین فراوانی با ۱ نفر (۰/۳ درصد) به قوم بلوچ متعلق است. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که تنها ۳۷/۹ درصد از پاسخ‌گویان متولد شهر تهران

بوده‌اند که این موضوع مهاجرپذیر بودن این محله را نشان می‌دهد. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه‌ها	آزمون	سطح معنی‌داری (درصد)	نتایج
۱	وجود تفاوت در سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت	برای گروه‌های وابسته T	بیش از ۹۹	- تایید وجود تفاوت - کاهش سرمایه اجتماعی نسبت به گذشته
۲	وجود تفاوت در اعتماد اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت	برای گروه‌های وابسته T	بیش از ۹۹	- تایید وجود تفاوت - کاهش اعتماد اجتماعی نسبت به گذشته
۳	وجود تفاوت در همبستگی اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله خاک سفید	برای گروه‌های وابسته T	بیش از ۹۹	- تایید وجود تفاوت - کاهش اعتماد اجتماعی نسبت به گذشته
۴	وجود تفاوت در مشارکت اجتماعی اهالی محله خاک سفید، قبل و بعد از تخریب محله غربت	برای گروه‌های وابسته T	بیش از ۹۹	- تایید وجود تفاوت - افزایش مشارکت اجتماعی نسبت به گذشته
۵	وجود تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید در سطح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی	تحلیل واریانس یک طرفه و مقایسه میانگین‌ها	۹۹	- تایید وجود تفاوت - بالاترین میزان سرمایه اجتماعی مربوط به سطح خویشاوندی می‌باشد
۶	وجود تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید با توجه به فاصله محل سکونت از محل تخریب‌شده	تحلیل واریانس یک طرفه و مقایسه میانگین‌ها	۹۹	- تایید وجود تفاوت - بالاترین میزان سرمایه اجتماعی مربوط به ناحیه یک (تا شعاع ۳۰۰ متری) نسبت به محدوده تخریب شده می‌باشد
۷	وجود تفاوت در میزان تغییر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید با توجه به فاصله محل سکونت از محل تخریب شده	تحلیل واریانس یک طرفه و مقایسه میانگین‌ها	۹۹	- تایید وجود تفاوت - کاهش سرمایه اجتماعی در ناحیه یک (شعاع کمتر از ۳۰۰ متر) بیش‌تر از سایر نقاط بوده است
۸	وجود رابطه بین سطح تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۹۵	وجود رابطه معکوس (هرچه سطح تحصیلات بالاتر، میزان سرمایه اجتماعی کم‌تر)
۹	وجود رابطه بین سن پاسخگویان و میزان سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۹۹	- وجود رابطه معنی‌دار و مثبت
۱۰	وجود تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید با توجه به متغیر جنسیت	T برای گروه‌های مستقل	۹۹	- تایید وجود تفاوت - سرمایه اجتماعی در میان زن‌ها بیش از مردها می‌باشد

۵) بحث و نتیجه‌گیری

رفتار قهری و خشونت‌آمیز نسبت به محلات ناهنجار از دیرباز در مورد این محلات اعمال و حتی با توجه به نتایج سوئی که در پی دارد، هر از چند گاهی تکرار می‌شود. تخریب محله ناهنجار جمشید در سال ۱۳۶۸ و اینک تخریب محله ناهنجار غربت. تخریب این محله نیز هر چند باعث رضایت موقتی اهالی محله خاک سفید از نابودی محله‌ای ناهنجار در کنار خود شده بود، نتایج منفی فراوانی در پی داشته است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بالا رفتن ناگهانی قیمت زمین و مسکن در این محله به خصوص کوچه‌های اطراف محل تخریب‌شده و قیمت‌گذاری‌های نامتناسب نسبت به کیفیت واحدهای مسکونی؛ تفکیک واحدهای بدون سند این محله (که تعداد زیادی نیز می‌باشد) به واحدهای ۳۵-۴۰ متری و گسترش برخی از انحرافات اجتماعی در سطح محله خاک سفید هر چند که بعد از تخریب محله غربت، تعداد زیادی از ساکنان محله غربت به مناطق دیگری هم‌چون شهرستان بومهن در شرق شهر تهران و یا شهرک‌های اطراف پارک چیتگر در غرب شهر تهران مهاجرت نموده‌اند، اما تعدادی نیز در کوچه‌های اطراف - محله خاک سفید - پراکنده و به فعالیت‌های انحرافی خود به خصوص خرید و فروش مواد مخدر ادامه می‌دهند.

تخریب این محل علاوه بر تاثیرات فضایی و کالبدی و پراکندگی محل‌های خرید و فروش مواد مخدر، بر روی برخی از شاخص‌های اجتماعی اهالی نیز تاثیر گذار بوده و موجب تغییر در نگرش‌ها، آگاهی‌ها و تبادلات بین فردی و بین گروهی آنان با یکدیگر شده است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به «سرمایه اجتماعی» به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و قابل توجه در مباحث توسعه اشاره نمود که پس از تخریب، دست‌خوش تغییراتی گشته است. در مورد اهمیت سرمایه اجتماعی باید به این نکته اشاره کرد که برخی از محققان هم‌چون پاتنام نشان داده‌اند که حضور عواملی نظیر سرمایه اجتماعی در یک جامعه، نه تنها بر سطح توسعه اقتصادی جامعه، بلکه بر ساختار سیاسی آن جامعه نیز تاثیر گذار می‌باشد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). پاتنام هم‌چنین به رابطه و همبستگی بین سرمایه

اجتماعی و تمام انواع شرایط اجتماعی مثل نرخ پایین جرم و جنایت و بزه، سطح بالای تولید ثروت، حد بالای سلامت و احساس خوشبختی و دستاوردهای بالای تحصیلی، اشاره کرده و سرمایه اجتماعی را در تولید و یا عدم تولید این مؤلفه‌ها موثر می‌داند (محمدی، ۱۳۸۴: ۷۱).

مهم‌ترین نتیجه به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید نسبت به قبل از تخریب محله غربت کاهش یافته است. این موضوع با سنجش سه متغیر اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی اهالی در زمان حال، و مقایسه میزان آن با گذشته مشخص گردید. در زمان وجود غربت اهالی کوچه‌های اطراف (اهالی محله خاک سفید) از پیوندهای همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی بالایی برخوردار بودند و در مقابل مشکلات پیش آمده به واسطه وجود غربت از هم پشتیبانی می‌نمودند که با تخریب محله غربت در سال ۷۹ دیگر دلیلی برای وجود چنین پیوندها و همبستگی وجود نداشته و به مرور و به دلیل نبود موضوع مشترکی برای گرد آمدن برای رفع آن، میزان ارتباطات و به دنبال آن، همبستگی اجتماعی اهالی کاهش پیدا کرده است. علاوه بر این موضوع لازم به ذکر است که کاهش میزان سرمایه اجتماعی با نزدیک شدن به محل تخریب شده رابطه مثبت دارد؛ بدین معنا که هر چه افراد در فاصله نزدیک‌تری نسبت به محل تخریب شده زندگی می‌کنند میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها به میزان بیشتری کاهش یافته است (آزمون فرضیه «ز»). ولی با وجود چنین کاهشی، هنوز هم سرمایه اجتماعی اهالی کوچه‌های اطراف محل تخریب شده بیش از سایر نقاط می‌باشد و میزان آن با افزایش فاصله از این محل کاهش می‌یابد (هر چه فاصله با محل تخریب شده بیش‌تر می‌شود، میزان سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد). از میان سه شاخص مورد بررسی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی، تنها شاخصی که پس از تخریب محله غربت بر میزان آن افزوده شده است میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی اهالی محله خاک سفید در سطوح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی می‌باشد. عامل اصلی این موضوع را می‌توان ایجاد حلقه‌های مطالعاتی برای قرائت قرآن و همچنین ایجاد صندوق‌های خرده وام (قرعه‌کشی)

در سطوح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی عنوان نمود که نسبت به گذشته برگسردگی آن افزوده شده است و در حال حاضر کم‌تر خانواده‌ای را می‌توان در این محله یافت که در یکی از این صندوق‌های قرعه‌کشی عضویت نداشته باشد (آزمون فرضیه «د»). البته در جلسات قرائت قرآن و صندوق‌های خرده وام که به دلیل وضعیت اقتصادی نامناسب، برای ساکنین این محله از اهمیت بالایی برخوردار است غلبه جنسی زنانه به وضوح قابل مشاهده است. به جز این دوشاخص، شاخص‌های دیگری چون سلام و احوال‌پرسی، مشارکت در کارهای خیریه، شرکت در مراسم عروسی و عزا، قرض دادن وسایل به یکدیگر و میزان سرمایه اجتماعی در میان زنان بیش‌تر از مردان است (آزمون فرضیه «ی»). از دیگر نتایج به دست آمده از این پژوهش، تفاوت میزان سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید در سطوح همسایگی، محلی، قومی و خویشاوندی با یکدیگر می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سطح خویشاوندی (فامیلی) بالاترین میزان سرمایه اجتماعی را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشان از پیوندهای خویشاوندی موجود در بین اهالی این محله دارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی در سطح خویشاوندی نسبت به سایر سطوح (همسایگی، محلی و قومی) از سطح بالاتری برخوردار است (آزمون فرضیه «ه»). نمود عینی این پیوندهای خویشاوندی را می‌توان درگیری‌های دسته جمعی ساکنین کوچه‌های اطراف با ساکنین محله غربت در زمان وجود این محله دانست که به محض ایجاد مشکلی برای یکی از خویشاوندان خود، در اقدامی جمعی برای مقابله با ساکنین محله غربت با هم مشارکت می‌کردند. از دیگر نمونه‌های وجود پیوندهای خویشاوندی در این محله مقابله با مأموران تخریب شهرداری بوده است. به دلیل ساخت و سازهای غیرمجاز در این محله درگیری‌های زیادی بین مأموران تخریب و ساکنین محله خاک سفید به وقوع می‌پیوست که در زمان وقوع این درگیری‌ها معمولاً خویشاوندان خانواده‌ای که قرار بود منزل مسکونی آن‌ها تخریب شود به کمک آن‌ها آمده و مانع این اقدام می‌شدند. دلیل این امر علاوه بر وجود سرمایه اجتماعی در بین خویشاوندان، ایجاد نوعی ضمانت

اخلاقی برای مشارکت‌کنندگان بود که به قول کلمن، نظامی از تعهدات و انتظارات را ایجاد می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷) تا در مواقع لزوم فرد حمایت شده به حمایت افرادی که از او حمایت کرده‌اند برود. البته وجود چنین سرمایه اجتماعی‌ای در سطح خرد نمی‌تواند موجب پیشرفت و توسعه جامعه در سطح کلان گردد و باید تدابیری اندیشیده شود تا بتوان میزان سرمایه اجتماعی در سطح کلان را ارتقا بخشید. این پژوهش هم‌چنین نشان از رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و سرمایه اجتماعی اهالی دارد؛ بدین معنا که هر چه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد میزان سرمایه اجتماعی او - در مقایسه با افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر - کم‌تر است (آزمون فرضیه «ح»). این مطلب در مورد رابطه سن پاسخ‌گویان و میزان سرمایه اجتماعی شکل دیگری دارد و نشان از رابطه معنی‌دار و مثبت بین این متغیر با میزان سرمایه اجتماعی دارد؛ بدین معنا که با بالا رفتن سن افراد، بر میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود (آزمون فرضیه «ط»). این امر شاید به دلیل پیوندهایی باشد که افراد مسن‌تر در این محله با یکدیگر داشته و این پیوندها را در طول زمان حفظ نموده‌اند، ولی افراد جوان‌تر دارای چنین پیوندهای اجتماعی مستحکمی نیستند.

- بیات، بهرام. (۱۳۸۳)، «سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره سوم.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، نشر شیرازه.
- تولایی، نوین. شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۴)، «نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی برای رفاه اجتماعات محلی». مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۲)، «پدیده حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب»، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، جلد اول.
- خراطها، سعید. (۱۳۸۲)، «حاشیه‌نشینی در محله‌های ناهنجار شهر تهران (مورد محله غربت)»، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، جلد دوم.
- دواس، دی‌ای. (۱۳۸۲)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی (ترجمه هوشنگ نایی)، تهران، نشرنی.
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰)، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۲)، لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹)، پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن (ترجمه غلامعباس توسلی)، تهران، جهان امروز.
- قدوسی، حامد. (۱۳۸۴)، «رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- کاظمی پور، عبدالمحمد. (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.

- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی* (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی.
- محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و سنجش آن*، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ملاحسنی، حسین. (۱۳۸۱)، *بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ولکاک، مایکل و نارایان، دیپا. (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری»، *سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه* (گردآورنده: کیان تاخیش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، شیرازه.
- Stones, R. (1998), **Key Sociological Thinkers**, London, Macmillan Prees.
- Vogt, P. (1993), **Dictionary of Statistic and Methodology**, Newburg Park, SAGE Publication.